



احسان حدادی دارنده مدال نقره پر تاب دیسک المپیک که دوره سختی را با ابتلایش به کرونا پشت سر گذاشت، خود را آماده می کند تا با از سر گرفته شدن رقابت های دوومیدانی، وارد میدان شود. در این میان بحث لغو المپیک هم مطرح است که حدادی درباره آن گفت: «ویروس کرونا در این مدت خیلی از رویدادهای بزرگ را در سطح جهانی و بین المللی به تعطیلی کشانده است؛ بعید نیست که المپیک هم لغو شود. به هر حال اگر این اتفاق رخ بدهد نسل بزرگی از قهرمانان داخلی و خارجی از این اتفاق ضرر خواهند کرد.» حدادی درباره انتقاداتی که به او بابت برگزاری اردوها و تمریناتش در خارج از کشور می شود نیز تصریح کرد: «اگر از لحاظ امکانات وضعیت مساعد باشد چه دلیلی دارد تا بخواهم برای انجام تمرینات به آمریکا بروم؟ برخی دوستان انتقادی کنند چرایی برخی ورزشکاران برای پیگیری تمرینات خود به اردوهای برون مرزی می روند، اما سؤال من این است آیا جای مناسبی برای تمرین کردن من وجود دارد؟ به نظرم بهترین مکان برای انجام تمریناتم تهران و کیش است، اما چون زیر ساخت تمرینات نیست مجبورم به خارج از کشور بروم.»

امیدوار به برگزاری المپیک ۲۰۲۱

به دنبال صحبت هایی که درباره احتمال لغو شدن المپیک ۲۰۲۱ مطرح می شود، رییس کمیته ملی المپیک اعلام کرد بر اساس ابلاغیه هایی که به دست شان می رسد، المپیک قطعاً برگزار می شود. رضاصالحی امیری گفت: «ابلاغیه هایی که از کمیته بین المللی المپیک برای ما روزانه ارسال می شود قرار بر قطعی بودن برگزاری رویداد المپیک است. تقریباً تمام فدراسیون های جهانی تقویم برگزاری رویدادهای کسب سهمیه و جهانی را از نیمه دوم سال اعلام کردند و همه اتفاقات باینبار برگزاری این رویداد در سال ۲۰۲۱ است. توماس باخ رییس کمیته بین المللی المپیک اعلام کرده که اگر به هر دلیلی کرونا ادامه پیدا کند و شرایط تابستان سال بعد هم مثل شرایط امروز باشد و هیچ امکان کنترول موضوع کرونا نباشد، به خودی خود المپیک لغو خواهد شد. ارزیابی همکاران من در کمیته ملی المپیک و کادر سرپرستی المپیک ۲۰۲۰ و سجادی برگزاری مسابقات است و آنها نظر به برگزاری قطعی المپیک دارند.»

ایگور برای طلبش به ایران می آید؟

۱۱ خرداد آخرین مهلتی است که فدراسیون والیبال باید با سر مربی سابق تیم ملی تسویه حساب کند. این تسویه حساب اما ممکن است برخلاف خواسته ایگور کولاکوویچ، او را به ایران بکشاند تا مثل دفعات قبلی به صورت دستی، دستمزدها را پرداخت کنند. میلا تاقوی، سرپرست دبیری فدراسیون والیبال، در مورد بدهی به کولاکوویچ گفت: «فدراسیون والیبال بدهی خودیه کولاکوویچ را تا همین کرده مانعی در این مسیر وجود نداشت، اما پرداخت این مبلغ به وفورتر از توان اجرایی فدراسیون است. طلب کولاکوویچ آماده است و ما تنها به دنبال راه مناسب برای پرداخت آن هستیم. برای پرداخت این مبلغ هم پیشنهاداتی به کولاکوویچ داده ایم و او هم نظرات خود را اعلام کرده است. به هر حال همه می دانند که وضع تحریم های ظالمانه علیه ما چگونه است و همین موضوع کار ما را سخت کرده اگر نتوانیم از راه های غیر حضوری بدهی خود را پرداخت کنیم، مجبور هستیم از همان روش قبلی اقدام کنیم؛ یعنی احتمالاً کولاکوویچ مجبور شود برای دریافت طلب خود به ایران بیاید.»

بورسیه ۶۰ میلیونی دو کشتی گیر

طبق برنامه کمیته بین المللی المپیک بیش از ۱۶۰۰ ورزشکار از ۱۸۵ کشور تا زمان برگزاری بازی های المپیک توکیو مورد حمایت کمیته بین المللی المپیک قرار می گیرند. از این میان در رشته کشتی ۱۲۸ ورزشکار شامل ۵۳ آزادکار، ۳۹ فرنگی کار و ۳۶ کشتی گیر زن از این امکانات بهره مندی می شوند که نام حسن یزدانی و محمدعلی گرابی نمایندگان کشتی آزاد و فرنگی ایران نیز در بین نفرات اعلامی به کمیته بین المللی المپیک قرار دارد. بر این اساس فدراسیون کشتی مبلغ بورسیه این دو ملی پوش کشورمان را که هر کدام حدود ۲۰ میلیون تومان بوده به آنها پرداخت کرد.

حالا وقت نامه نگاری نیست آقای فرهاد مجیدی

بعد از خواندن؛ بسوزان!

فوتبال ایران عادت عجیب، نامانوس و ناهماهنگ با دنیای فوتبال کم ندارد. این اواخر عادت «نامه نگاری» هم به همه عادت های قبلی اضافه شده است. در خبر های می خوانیم که فرهاد مجیدی به سرپرست و مدیر عامل باشگاه استقلال «نامه» نوشته است. دقیقاً در کدام نقطه از تمام کهکشان راه شیری یک سرمربی برای برقراری ارتباط با مدیران باشگاه، نامه منتشر می کند؟ اصلاً چه دلیلی دارد که همه مکاتبه ها در باشگاه، دائماً در معرض دید هوادارها باشند؟ اصلاً چه نیازی است که یک مربی در این مقطع، دائماً در باره لزوم پایان لیگ نامه بنویسد؟



دوباره و شروع شود اما در اظهار نظر های سرمربی استقلال، اوضاع کاملاً متفاوت به نظر می رسد. فرهاد که بارها علیه شروع دوباره لیگ موضع گرفته و برای تحکیم موضع اش حتی مرگ یک پسر بچه نوجوان را نیز دستاویز قرار داده، به تازگی در نامه ای به سرپرست و مدیر عامل باشگاه تلویحاً از لزوم تعطیلی بازی ها و به نوعی بررسی شرایط انصراف از لیگ برتر صحبت کرده است. فرهاد چطور انتظار دارد شاگردانش در جلسه های تمرینی آماده، سر حال و پرانگیزه باشند وقتی خودش در هر مصاحبه و هر خبری، در جبهه «تعطیل کنندگان لیگ» دیده می شود؟ وقتی امثال زنوزی و حمیدای که در زندگی شان به گره به هم لگد زده اند از تعطیلی رقابت ها صحبت می کنند، می شود فهمید که انگیزه آنها از این همه فشار چیست. اگر مالکان تیم های مختلف می خواهند هزینه کم تری انجام بدهند و لیگ را به تعطیلی بکشانند اما همچنان در صفحه اول اخبار باشند، می شود آنها

آریا رهنورد

در ظاهر، جلسه های تمرینی استقلال با حرارت و هیجان دنبال می شود. بازیکنانی که این مدت به باشگاه های ورزشی می رفتند، تمرین می کردند، در زمین های کوچک تر فوتبال بازی می کردند و حتی در باشگاه کشتی (!) می گرفتند، حالا دوباره تمرین های دسته جمعی را از سر گرفته اند. در اردوی استقلال، همه چیز آماده به نظر می رسد تا فوتبال

چهره به چهره

مشکل شما؛ بی کفایتی اطرافیان نیست

سقوط پادشاه!

آریا طاری

در کتاب های درسی تاریخ، همیشه یک روایت مشخص و تکراری درباره سقوط سلسله ها و پادشاهان وجود دارد. دلایلی مثل فساد دربار، بی کفایتی اطرافیان و ... که معمولاً در مورد همه سقوطها تکرار می شوند. در فوتبال ایران هم بازیکنان با استعدادی که نتوانسته اند به بزرگ ترین آرزوهای شان برسند، یک مشت دلیل مشابه برای خودشان تراشیده اند تا «طرافیان» را مقصر نشان بدهند. پس از مجاهد خذیراوی و داستان های همیشگی اش، حالا تویت علیرضا نیکبخت است که در استودیوی برنامه های مختلف تلویزیونی، از دلایل عجیبش برای «توقف در اوج» رونمایی کند.

نیکبخت واحدی یا واحدی نیکبخت؟ از آخرین باری که این سوال را از خودمان پرسیدیم سال های زیادی گذشته است. فوتبال نیکبخت از مدت ها قبل تمام شده و او در این سال ها مصاحبه های زیادی انجام داده اما علیرضا ناگهان به مهمان محبوب شوهای تلویزیونی تبدیل شده و دائماً مشغول مطرح کردن افشگری های تازه است. ظاهر آن نیکبخت دلایل مشابهی برای پیشرفت نکردن دارد و دیگر آنقدر این دلایل را تکرار کرده که خودش هم زیر بار آنها رفته است. دلایلی که البته بیشتر به

اتفاق روز

بایرن در آستانه قهرمانی بوندس لیگا

کیش با کیمیش!

حساس ترین مسابقه نیم فصل دوم بوندس لیگا، سرانجام برگزار شد. مسابقه ای که مدت ها به دلیل شیوع ویروس کرونا انجام نشده بود، سرانجام در ورزشگاه سیگنال ایدونا پارک با حساسیت فوق العاده ای برگزار شد. ورزشگاهی که هیچ نشانی از «دیوار زد» در آن دیده نمی شد. دور تموند بدون حضور هوادارها، تیم ترسناسکی به نظر نمی رسید و نتوانست هیچ امتیازی از این بازی بزرگ به دست بیاورد. هواداران زردها پای صفحه تلویزیون، امیدوار بودند که تیم شان با پیروزی در این جدال

را در کرک داما حسرت تبار است که یک نفر مثل فرهاد مجیدی که عصاره و چکیده استقلال در این سال ها بوده، به همین راحتی به زمین بازی آنها می رود. سخت است که همان جملات زنوزی و شرکار از فرهاد مجیدی هم بشنویم. از او که سال ها فوتبال بازی کرده، سرد و گرم چشیده، فوتبال بازی کرده، تا لحظه آخر جنگیده و زندگی اش با فوتبال گره خورده است. اینکه او را در صف توطئه کشندگان علیه فوتبال ببینیم، بیش از حد ناراحت کننده به

خواهان جذب ستاره ای در حد و اندازه های او بودند و این بازیکن حتی فرصت کافی را برای پیوستن به لیگ های خارجی نیز در اختیار داشت.

چندین سال پس از پایان دوران فوتبال علیرضا، او هنوز قصورش را نپذیرفته و دستگاه «مقصر یاب» اش را به طرف دیگران متفاوت بودن یاد بگیران لذت می برد او اگر چه چهره جذابی داشت اما دلیل اصلی محبوبیت این بازیکن، به نمایش های خیره کننده او در زمین مسابقه مربوط می شد. نیکبخت می توانست به قله هایی برسد که هیچ فوتبالبلیست ایرانی تا آن موقع تجربه نکرده بود. او می توانست با کمی پیشرفت بیشتر، کارهایی انجام بدهد که در تاریخ فوتبال ایران دست نیافتنی شود اما در عمل، به جز چند بازی خوب و چند جنجال بزرگ، دیگر چیز خاصی از او به یاد نخواهیم آورد. علیرضا در استقلال اوج گرفت اما به جای رفتن به یک تیم بزرگ اروپایی، در این باشگاه باقی ماند تا بعدها مستقیم به حرفه اصلی آبی هام لقب شود. او در پرسپولیس، دائماً مشغول کری خواندن برای آبی ها بود اما بعد دوباره به استقلال برگشت. همین تغییر جهت های ناگهانی اجازه ندادند او از دیگران سبقت بگیرد و راهش را به طرف یک لیگ معتبر پیدا کند. به صورت همزمان، زندگی شخصی این ستاره نیز هرگز نسبتی با یک فوتبالبلیست حرفه ای نداشت. به همین خاطر بود که آمادگی او به مرور زمان کاملاً از دست رفت. او یک ورزشکار بود اما در عمل، مثل ستاره های سینما و موسیقی زندگی می کرد. نیکبخت مراقب خودش و استعدادش نبود و بین زندگی باشکوه و تبدیل

نظر می رسد. از فرهاد مجیدی انتظار دیگری داشته ایم. هر چند که شاید نباید در این فوتبال، اساساً هیچ کس هیچ انتظاری داشته باشیم.

آن چه بیشتر از هر چیز دیگری غیر قابل درک به نظر می رسد، «نامیدی» فرهاد از موفقیت استقلال در ادامه رقابت های این فصل است. او را همیشه به عنوان یک چهره جاه طلب شناخته ایم اما ظاهراً جاه طلبی های این مربی در لیگ نوزدهم، از مدت ها قبل به پایان رسیده است. او دیگر آمیدی به استقلال ندارد که اگر داشت، به همین سادگی بر طبل تعطیلی مسابقات نمی کوبید. شاید خیلی از هواداران استقلال مثل مجیدی فکر نمی کنند، شاید دوست ندارند قهرمانی لیگ را بدون رقابت به پرسپولیس بدهند، شاید دوست ندارند که تیم شان به پهنه های واهی از بازی در زمین کنار بکشد، شاید خیلی از هواداران استقلال کارگرانی هستند که اتفاقاً مثل فوتبالبلیست ها زن و بچه دارند اما هر روز ساعت های زیادی را بیرون از خانه می گذرانند. چرا که مجبور هستند «پول» در بیاورند و به زندگی حداقلی شان رضایت بدهند و فوتبالبلیست هایی را تماشا کنند که دائماً در حال «ناز کردن» هستند و سلامتی را بهانه می کنند. شاید همه هواداران استقلال، طرفدار ایده فرهاد نباشند. مردی که ظاهر ا قید رقابت بر سر بردن جام را به طور کامل زده است. استقلال همین حالا، یک بازی موقوفه در لیگ برتر دارد و اگر آن مسابقه را به عنوان تیم برنده ترک کند، اختلافش با پرسپولیس صدر نشین به هشت امتیاز خواهد رسید. فاصله ای که به هیچ وجه غیر قابل جبران نخواهد بود. اگر آنها پس از فولاد، سایپا و پارس جنوبی را نیز در دوبازی متوالی شکست بدهند،

فرهاد که بارها علیه شروع دوباره لیگ موضع گرفته و برای تحکیم موضع اش حتی مرگ یک پسر بچه نوجوان را نیز دستاویز قرار داده، به تازگی در نامه ای به سرپرست و مدیر عامل باشگاه تلویحاً از لزوم تعطیلی بازی ها و به نوعی بررسی شرایط انصراف از لیگ برتر صحبت کرده است

این شناس را خواهند داشت که به صدر جدول نزدیک و نزدیک تر شوند. آبی های پایتخت، هنوز شانس رسیدن به موفقیت را دارند. هنوز می توانند معادله ها را با هم ببزنند. شاید خیلی از هواداران همین باشگاه، از رویای قهرمانی در لیگ پس از سال ها ناامید نشده اند اما افسوس که سرمربی تیم، خودش را به دامن ناامیدی انداخته و دست به هر کاری می زند تا دیگر به این رقابت ادامه ندهد.

ایده «سفر به ترکیه» برای روبه رو شدن با پرسپولیس در سوپر جام، در ابتدا ایده هوشمندانه ای به نظر می رسید. اتفاقاً خیلی از استقلالی ها به تئوریسین این ایده یعنی علی خطیر بالیدند و برای او هورا کشیدند و فریاد سردادند. او شبیه یک «قهرمان» بود اما این وهم، خیلی زود از هم پاشید و این طرح، هزاران دلار به باشگاه استقلال ضرر زد و یک جام قهرمانی را نیز از این تیم گرفت. کاش فرهاد مجیدی در مسیر تبدیل شدن به خطیر بعدی قرار نگیرد. کاش او دنباله روی نقشه ای نباشد که به جز ضرر زدن به استقلال، هیچ پایان دیگری ندارد.



شدن به یک بازیکن فراموش نشدنی، اولی را انتخاب کرد. همین انتخاب کافی بود تا او بیشتر از فوتبال، با سبک زندگی اش به خاطر سپاریم.

برای پیدا کردن مقصر، دیگر دیر شده است اما نیکبخت، حداقل می تواند راه را به فوتبالبلیست های جوان تر نشان بدهد او می تواند اشتباه های خودش را بپذیرد و اجازه دهد که ستاره های مستعد بعدی نیز مسیر همین بازیکن را دنبال کنند. هیچ کدام از آن دلایل تکراری، مسیر قضاوت هادر مردان ستاره را تغییر نمی دهند. هیچ کس به اندازه خود نیکبخت، به او ظلم نکرد. مردی که در نایده گرفتن استعداد هایش، نظیر نداشت.

داشته باشند. بدون تردید این یکی از جذاب ترین تیم های دوده اخیر باشگاه دور تموند است و ستاره های خوش تکنیکی مثل سانچو، گروو، جیو رینا، برنت، هازارد و هالند را در اختیار دارد اما حتی با این نفرات نیز آنها همچنان در سایه رقیب مونیخ شان هستند. شاید به همین خاطر است که همه این ستاره ها نیز همانند ستاره های سابق دور تموند، برای ترک باشگاه برنامه ریزی کرده اند.

حکایت این فصل بوندس لیگانیز، درست مثل فصل های قبلی است. باز هم دور تموند خوب شروع می کند، به قهرمانی امیدوار می شود و حتی از بایرن جلوی زنده اما از یک جایی به بعد، دیگر نمی تواند پا به پای رقیب همیشگی پیش برود. تسا پایان این فصل فوتبال آلمان،

به یکی از مهم ترین بازیکنان بایرن تبدیل شده است. با وجود تلاش دور تموند برای بازگشت به بازی، این اتفاق هرگز رخ نداد. همانند هفته های گذشته، قاره حاضر نبود که از سانچو در ترکیب اصلی استفاده کند. سرمربی دور تموند در نیمه دوم سانچو، گوتسه و امره چان را نیز وارد زمین مسابقه کرد اما این تعویض ها در نهایت برای تیم میزبان نتیجه بخش نبودند. چهار صدمین بازی مانوئل نویر در تاریخ بوندس لیگا، یک پایان خوش برای این سنگربان داشت. او این بازی سخت و نزدیک را با یک کلین شیت به پایان رساند تا یک قدم به قهرمانی در رقابت های این فصل بوندس لیگانیز دیک شود. حالا ۱۷ امتیاز فاصله بین دو تیم وجود دارد و بعید به نظر می رسد در ادامه فصل، زردها شانس برای رسیدن به رقیب

فقط ۶ هفته باقی مانده و دیگر جبران چنین فاصله ای تا حدودی غیر ممکن خواهد بود. بدون تردید مهم ترین پدیده این فصل بوندس لیگا، هانس دیتر فلیک بوده است. مردی که سال ها دستیار یوگی لسو در تیم ملی آلمان بود و امسال به همه نشان داد که در این سال ها چه پتانسیل فوق العاده ای داشته است. فلیک و تیمش رکورد سریع ترین زمان برای رسیدن به ۵۰ گل را شکستند و علاوه بر درخشش خیره کننده در بوندس لیگا، در لیگ قهرمانان نیز نتایج فوق العاده ای به دست آوردند. آنها با کنار زدن دور تموند، آخرین مانع را نیز از سر راه قهرمانی کنار زده اند. البته در فوتبال آلمان، بازی ها ادامه دارند و دور تموند نامه پایان لیگ را امضای کند!